



تأثیر اقلیم بر وضعیت بیابان‌زایی در دو مدل MICD و DIS4ME

مهسا مهتدی^{1*}، حبیب نظرنژاد²، سید امین خسروی³، مصطفی ذبیحی⁴

1 و 2- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد، مهندسی آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه ارومیه
m.mohtadi88@gmail.com

2- استادیار گروه مهندسی مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه ارومیه
h.nazarnejad@urmia.ac.ir

3- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه ارومیه
aminkhosravi1471@gmail.com

4- دانشجوی کارشناسی مهندسی مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه ارومیه
mostafazabihi1373@gmail.com

چکیده

آب، هوا و خاک سه عنصر اصلی زندگی انسان بوده که تداوم حیات مستلزم حفاظت و نگهداری صحیح از آن‌هاست. افزایش بیش از حد، میل دستیابی به منابع طبیعی، خدمات اکولوژیک و استفاده از آن در جهت رفع نیازهای انسانی، علاوه بر تخریب عرصه‌های طبیعی موجب ناپایداری جوامع، تنش‌های سیاسی، بحران غذا و تهدید جدی برای حال و آینده بشر در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی خواهد شد. تخریب اراضی، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی - اجتماعی و روش ارزیابی آن می‌تواند به عنوان ابزاری در توسعه پایدار یک جامعه بسیار مفید واقع شود. امروزه ضرورت شناخت دقیق‌تر عوامل و مکانیسم‌های مؤثر در وقوع پدیده تخریب اراضی و بیابان‌زایی بمنظور مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح و اصولی مناطق خشک و نیمه‌خشک بیش از پیش احساس می‌شود. معیار اقلیم در دو مدل MICD و DIS4ME وضعیت بیابان‌زایی این منطقه بررسی گردد نتایج حاصل نشان می‌دهد در مدل MICD، نزدیک به 60 درصد منطقه دشت میاندوآب در کلاس شدید، و در مدل DIS4ME که از طریق میانگین هندسی معیارهای مؤثر بدست آمده نشان می‌دهد 82 درصد منطقه در کلاس شدید تا بحرانی قرار دارد.

واژگان کلیدی: اقلیم، بیابان‌زایی، توسعه پایدار، دشت میاندوآب، MICD، DIS4ME.